



جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزا آبی و بهجت عباسی

چراغ سبز ترامپ به نتانیاهو برای حمله به برجام

در جلسه ترامپ و مکرون سپس درباره موضوعات تجاری و مسائل دیگری مذاکره شد و به‌منظور آمادگی جهت برگزاری کنفرانس مطبوعاتی مشترک، دیدار رؤسای جمهوری دو کشور حدود ساعت ۱۲ و ۲۵ دقیقه به پایان رسید. در این جلسه، هیچ یک از رهبران دو کشور موضوع تازه یا متفاوتی را درباره ایران پیش نکشیدند هر چند که ترامپ در بخشی از سخنانش گفت: «هیچ‌کس نمی‌داند قصد دارم چه کاری را انجام دهم... البته شما، آقای رئیس جمهور، دیدگاه‌های خوبی در این زمینه دارید.» سپس ضیافت رسمی شام به‌خوبی برگزار شد؛ البته اگر شما جزو افرادی باشید که ساعت ۱۰ و نیم شب شام می‌خورند. من و همسر «گرچمن»، برنامه سرگرمی بعد از شام را حذف کردیم درست مانند کلی و همسرش «کارن»، که در مسیر بازگشت به خانه وقتی برای برداشتن کیف و لباس‌های کار خود به دفترمان بازگشتیم با هم مواجه شدیم.

در مسیر آمادگی برای خروج از توافق هسته‌ای ایران، روز ۲۵ آوریل با موافقت متیس گاهی بلند به جلو برداشته شد. متیس گفت اگر تصمیم به خروج گرفته باشید با آن موافقت می‌کنم. دشوار می‌توان گفت این موافقت متیس از روی اشتیاق بود اما دست‌کم ثابت کرد که او در دفاع از این توافق، خودکشی نمی‌کند. متیس بارها و در هر فرصتی که ایجاد می‌شد، مخالفتش را با خروج از توافق تکرار می‌کرد تا اینکه ترامپ چند روز بعد گفت: «نمی‌توانم در این توافق بمانم». این یک بیانیه قطعی درباره خروج ما از توافق بود.

سپس، صبح روز ۲۵ آوریل، ترامپ بار دیگر تکرار کرد می‌خواهد منوچین کاملاً آماده «اعمال سنگین‌ترین تحریم‌ها» با خروج ما از توافق باشد. من همچنین آن روز صبح با ایتین مشاور رئیس جمهوری فرانسه ملاقات کردم و برداشتم این بود که مکرون اعضای هیأت خود را درباره محتوای مذاکرات دو نفره با ترامپ به‌طور کامل توجیه نکرده است. البته این خبری عالی بود زیرا نشان می‌داد مکرون به‌طور کامل اظهارات ترامپ را که به او گفته بود آماده خروج از توافق است، متوجه شده است.

جلسه ۲۷ آوریل ترامپ و مرکل جلسه‌ای رسمی نبود بلکه صرفاً یک «دیدار کاری» محسوب می‌شد. بنابراین به اندازه سفر مکرون با شکوه برگزار نشد. دیدار دو نفره ترامپ با مرکل فقط ۱۵ دقیقه طول کشید و پس از آن جلسه بزرگتری با حضور اعضای هیأت‌ها در اتاق کارینه برگزار شد. ترامپ این جلسه را با انتقاد از نقش آلمان در «تغذیه هیولا» (که منظورش روسیه بود) از طریق پروژه خط لوله «نورد استریم ۲» شروع کرد، بعد به اتحادیه اروپا اشاره کرد و گفت فکر می‌کند برخورد این اتحادیه با آمریکا بسیار نامناسب بوده است. برای من روشن بود که ترامپ فکر می‌کرد آلمان، به اسارت روسیه در آمده است.

ترامپ همچنین از جمله‌ای استفاده کرد که بعدها آن را بارها شنیدم؛ «اتحادیه اروپا به مراتب بدتر از چین است با این تفاوت که اتحادیه اروپا کوچکتر از چین است.» وی افزود، اتحادیه اروپا تلاش می‌کند آمریکا را متضرر کند که مرکل به آن ناتوانی مخالفت کرد (او در ابریز مخالفت نکرد همچون کل این جلسه به زبان انگلیسی صحبت می‌کرد). مرکل همچنین درخواست کرد آمریکا تمهیل تعرفه به واردات فولاد و آلومینیوم را که ترامپ قصد داشت اجرایی کند، سه یا چهار ماه به تعویق بیندازد تا اتحادیه اروپا زمان کافی برای مذاکره با آمریکا در این زمینه داشته باشد.

ترامپ گفت متیس خواهد با اتحادیه اروپا مذاکره کند. با خود فکر می‌کردم چه بد که ترامپ همین حس قاطع را درباره کره شمالی ندارد. ترامپ در ادامه بحث عدم پایبندی آلمان به تعهداتش در قبایل ناتو و در زمینه افزایش بودجه دفاعی به میزان دو درصد تولید ناخالص داخلی را مطرح کرد و مرکل را به‌عنوان کسی که «از ناتو سوءاستفاده می‌کند توصیف کرد و گفت او حالا همین بازی را سر مسائل تجاری در می‌آورد. مرکل همچنان اصرار داشت که تعرفه‌ها، حتی اگر شده به مدت دو ماه به تأخیر بیفتد اما ترامپ پاسخ داد که این نیز مانند مسأله بودجه نظامی ناتو، وقت هدر دادن خواهد بود. ترامپ پرسید، اختصاص دو درصد تولید ناخالص داخلی به بودجه دفاعی آلمان چه زمانی محقق می‌شود و مرکل با لحنی ساده‌لوحانه پاسخ داد: سال ۲۰۳۰. این پاسخ باعث شد حتی هیأت آلمانی نیز لبخند بزنند و ترامپ بگوید مرکل از ۱۶ ماه پیش همین را می‌گوید. در رابطه با تعرفه‌ها، مرکل در نهایت به ترامپ گفت که او می‌تواند هر کاری را انجام دهد چون آزاد و بی‌قید و بند است.

اشاره به ایران موضوعی بی‌ربط و خارج از بحث بود. مرکل از ما خواست در توافق بنامینم و ترامپ با بی‌تفاوتی واکنش نشان داد. ترامپ در جمع رسانه‌ها به‌طور مختصر درباره ایران صحبت کرد و گفت «اجازه نخواهیم داد آنها سلاح هسته‌ای تولید کنند.» تقریباً کل حرفش (درباره ایران) همین بود.

نکته قابل ذکر دیگر حمله به مواضع ایران در سوریه در همان روز بود که احتمال می‌رفت اسرائیل در آن نقش داشته باشد. متیس و برخی دیگر از مقامات پنتاگون نگران بودند این حمله، ایران را وادار به حمله‌ای تلافی جویانه علیه نیروهای امریکایی کند (احتمالاً ایران این حمله را از طریق نیروهای نیابتی شیعه در عراق انجام می‌داد). هیچ اتفاقی رخ نداد و در هر صورت به‌نظر می‌رسید که ترامپ نگران نیست. ترامپ در توجیه نتانیاهو درباره طرز تفکرش درباره ایران گفت که کل توافق براساس دروغ بوده، ایران آمریکا را فریب داده است و اسرائیل باید در انتقاد علنی از این توافق راحت باشد و البته نتانیاهو تا همان موقع نیز همین احساس را داشت و کارش انتقاد از توافق بود.

دور نق

دور نق

نیویورک تایمز (امریکا):

در ۱۶ ماه گذشته نتانیاهو به دنبال چیزی به عنوان میراث خود بود. اکنون امارات این میراث را در اختیار او گذاشته است.

توافق اسرائیل با امارات می‌تواند منجر به عادی‌سازی روابط تل‌آویو با پایتخت‌های عربی شود و نام «بی‌بی» را به عنوان بانی آن ثبت کند.



لیبراسیون (فرانسه):

نیکلا سارکوزی، رئیس جمهوری سابق فرانسه، این هفته از کتاب خود رومانی کرد. او در مراسم رونمایی کتابش، از نزدیک با هواداران خود خوش و بش کرد. در حالی که محبوبیت امانوئل مکرون کاهش داشته، نکته قابل تأمل در دیدار سارکوزی با حامیان، افزایش تقاضاها برای بازگشت او به سیاست بود.



گاردین (بریتانیا):

نابرابری و بی‌عدالتی بین دانش‌آموزان انگلیسی جدی شده است. در حالی که دانش‌آموزان باهوش‌ا اما فقیر انگلیسی از ادامه تحصیل باز می‌مانند، دانش‌آموزانی با رده هوشی پایین‌تر اما والدینی پولدار، وارد دانشگاه‌ها می‌شوند. از همین رو اساتید دانشگاه‌ها خواهان تغییر در این وضعیت هستند.



امارات توافق عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را امضا کرد

معامله حقیر

زهره صفاری

خبرنگار

نخستین پیام تویتری پنجشنبه «دونالد ترامپ» و در فاصله سه ماه مانده تا انتخابات ریاست جمهوری‌اش خبر از دستاوردی داد که نه تنها فلسطین و جامعه عرب که احزاب داخلی رژیم صهیونیستی را به شوک واداشت: «توافق دیپلماتیک اسرائیل و امارات».

اسرائیل پیش از این در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۴ با میانجیگری رؤسای وقت آمریکا توسط مصر واردن به رسمیت شناخته شده و معاهدات صلحی را با دو کشور عرب منطقه به امضا رسانده بود. از همین رو اینکه توافق عادی‌سازی روابط با امارات با نام «پیمان ابراهیم» روز پنجشنبه در تماس ۱۶ دقیقه‌ای «دونالد ترامپ» با «بن زاید» و «نتانیاهو» به ثبت رسید و قرار است تا سه هفته دیگر در کاخ سفید نهایی شود، هر چند نخستین گام علنی به سوی عادی‌سازی روابط با کشورهای عرب خلیج فارس است، از اهمیت زیادی برخوردار نیست. بویژه که امارات و اسرائیل در سال‌های گذشته روابط نزدیکی در خفا داشتند. به گزارش «نیویورک تایمز»، رئیس جمهوری آمریکا که برای عقب‌نشاندن رقیب انتخاباتی‌اش تنها سه ماه فرصت دارد و با این توافق رضایت لای صهیونیستی را خریده است، خرسند از این توافق به خبرنگاران حاضر در نشست کاخ سفید گفت: «این توافق همکاری‌های گردشگری، امنیتی، سرمایه‌گذاری و انرژی را شامل می‌شود و از این پس برای نخستین بار امکان پرواز مستقیم بین امارات و اسرائیل و تبادل سفارتخانه و سفرای تجاری برای طرفین امکانپذیر خواهد شد. اما در مقابل این عادی‌سازی، اسرائیل نیز تا اطلاع ثانوی طرح الحاق کرانه باختری در حال تعلیق درمی‌آورد.» در همین حال «محمد بن زاید»، ولیعهد امارات که پیش از این مدعی دفاع سرخشان حقوق فلسطینی‌ها بود، همانطور که «سی‌بی‌اس نیوز» نوشته، در پیام تویتری‌اش این توافق را در جهت حفظ منافع فلسطین قلمداد کرد: «این توافق برای امارات را تلاش‌های اسرائیل برای الحاق اراضی فلسطین به مرزهای خود بود.» «بنیامین نتانیاهو»، نیز که چند وقتی است تلاش خود را مصروف اجرای طرح الحاق کرده، توقف اجرای این طرح در ازای توافق با امارات را به‌خواست آمریکا موقتی اعلام کرد. او به «کاتل ۱۲» اسرائیل گفت: «این لحظه بسیار هیجان‌انگیز و به واقع لحظه‌ای در مسیر صلح‌خوازمیانه است».

واکنش‌های خارجی

توافق عادی‌سازی روابط بین امارات و اسرائیل با واکنش‌های متفاوت خارجی مواجه شد. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز با صدور بیانیه‌ای ضمن محکومیت شدید برقراری روابط دیپلماتیک میان امارات عربی متحده و رژیم صهیونیستی، این اقدام را یک حماقت راهبردی از سوی ابوظهبی و تل‌آویو دانست که بدون تردید حاصل آن تقویت محور مقاومت در منطقه خواهد بود. در سایه این اعتراضات، توافق اسرائیل با امارات در حالی که با چراغ سبز دبیرکل سازمان ملل و بسیاری از احزاب داخلی آمریکا همراه شد، مورد استقبال کشورهای عربی مانند مصر و بحرین و همچنین بوریس جانسون، نخست وزیر انگلیس قرار گرفت و فرانسو، نیز با این موضع که این توافق، طرح الحاق را متوقف کرده از آن حمایت کرد. اما ترکیه در صف مخالفان این توافق قرار گرفت و وزیر خارجه آن اعلام کرد تاریخ این لحظه را فراموش نخواهد کرد. «ایلیزا گلدمن»، مؤسس مگ ۹۷۲ بر اسرائیل و فلسطین تمرکز دارد در توییتی نوشت: گرچه نتانیاهو هرگز قادر به اجرای الحاق نبود اما امارات از آن به عنوان یک پیروزی دیپلماتیک استفاده کرد. پیروزی به اسم حمایت از فلسطین اما به سود اسرائیل.»

امارات می‌کوشد چیزی بیش از یک متحد صرف باشد

بیال مصعب

عضو ارشد دیپارتمان دفاع و امنیت در انستیتیو مطالعات میانه‌شرق / مترجم: وصال روحانی

بنیامین نتانیاهو با متوقف کردن عملیات شهرک‌سازی‌های خود در کرانه غربی و عادی‌سازی روابطش با امارات در ازای چنان امتیازی حالا می‌تواند خود را یک نخست‌وزیر موفق در نظام اسرائیل جلوه بدهد و پاسخگوی انتقاداتی باشد که از عملکرد وی طی سال‌های اخیر صورت گرفته است. عین‌حال توافق تازه اسرائیل و امارات را نباید مثل دونالد ترامپ یک معاهده بزرگ صلح نامید زیرا اماراتی‌ها هیچ‌گاه پیشاپیش صف مبارزه‌کنندگان با اسرائیل قرار نداشته‌اند. ترامپ مدعی است این معاهده را شخصاً طراحی و اجرایی کرده و اگرچه این هم یک تعریف از خود و مبالغه‌گویی به قصد فتح انتخاباتی برایل‌وقوع ریاست جمهوری آمریکا است ولی تشکیلات او در این امر بدون سهم هم نبوده است. اسرائیل با واداشتن امارات به صلحی سسمبلیک با خود عملاً این کشور را جانشین موقتی هدف اول خود در مذاکرات صلح یعنی عربستان کرده و آرام نخواهد گرفت مگر زمانی که سعودی‌ها را هم به سوی میز چنین قراردادی سوق بدهد. تل‌آویو این بار هو است که به‌رغم شنیده شدن دائمی صدای اماراتی‌ها، قطری‌ها و بحرینی‌ها، این عربستان است که هدایت کشورهای عرب منطقه (خلیج فارس) را در دست دارد و اگر این یکی هم تسلیم شود، نتانیاهو می‌تواند مدعی یک توفیق بزرگ از منظر غربی‌ها شود. شاید نتوان گفت که صلح مجزای امارات با اسرائیل به معنای اعلام رسمی جدایی اماراتی‌ها از سعودی‌ها در شاهرهای سیاسی است اما شکی نیست که امارات می‌کوشد از این پس چیزی بسیار فراتر از یک «دست راست» صرف و متحد همیشگی برای عربستان باشد.

منبع: Foreign Policy

شوکت فلسطین

توافق روز پنجشنبه با واکنش شدید‌ال‌لحن فلسطینی‌ها همراه بود. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در واکنش به این توافق که عصر پنجشنبه اعلام شد خواهان نشست فوق‌العاده اتحادیه عرب و همچنین نشست فوری رهبران و گروه‌های فلسطینی برای بررسی پیامدهای این توافق شد. وی و اسامعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تماس تلفنی تأکید کردند: این توافق برای فلسطینی‌ها الزام‌آور نیست و هرگز به آن احترام گذاشته نخواهد شد. مردم ما در مخالفت با عادی‌سازی روابط پایه‌رسمیت‌شناختن اشغالگران متحد هستند. ما اجازه نمی‌دهیم کسی از فلسطین، قفس، مسجدالاقصی و شهدای آن به عنوان پلی برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل استفاده کند. در همین حال هنیه با زباید نخاله، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین برای تقویت وحدت موضوع ملی مشترک توافق کرد.

صائب عریقات، دبیرکل کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم اعلام کرد، احمد ابوالغیط، دبیرکل اتحادیه عرب باید بیانیه‌ای در راستای محکومیت عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی صادر کند اگر قادر به این کار نیست باید کنار بکشد. نبیل ابوربیده، سخنگوی ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین نیز در بیانیه‌ای توافق صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات را نابودی ابتکارعمل صلح عرب، خیانت به قفس،

توافق روز پنجشنبه که به گفته «نتانیاهو» به شکلی محرمانه انجام شد، با واکنش‌های مثبتی برای «دونالد ترامپ» در داخل آمریکا همراه بود. به طوری که در نوشته توییت‌ورک تایمز حتی «جو بایدن»، نامزد پیشتاز دموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۲۰ نیز در حالی که هیچ نامی از «ترامپ» نیاورد، با اشاره به تلاش‌های خود در دوران بارک اوباما برای برقراری این روابط کمیته نسبت به این رخداد ابراز خرسندی کرد. در عین حال «آ بی سی» نوشت: «چرد کوشنر» داماد ترامپ و مشاور او در امور اسرائیل و فلسطین که در این مذاکرات نقش کلیدی داشته گفت: «این توافق نشان از تغییر افکار در منطقه خاورمیانه دارد و امیدواریم کشورهای عرب دیگر نیز برای ورود به این مسیر تفرغیب بشوند.» کارشناسان معتقدند در این راه بحرین و عمان دو گزینه محتمل هستند اما هنوز با توجه به مواضع داخلی عربستان سعودی، نمی‌توان درباره

شأن نجات ترامپ و نتانیاهو

تصمیم این کشور برای ارتباط با اسرائیل پیش‌بینی داشت. از طرفی رئیس جمهوری آمریکا با تیر توافق، برگ برنده را به دست نتانیاهو داده است. به باور تحلیلگران «تایمز اسرائیل»، توافق محرمانه نتانیاهو با ترامپ برای عادی‌سازی روابط با امارات که به گفته نخست‌وزیر به خواست آمریکا، حتی بدون اطلاع «بنی گانتس» و وزرای آبی و سفید انجام شده است، خشم بسیاری از راست‌های افراطی اسرائیل را بخاطر توقف طرح الحاق کرانه باختری و شهرک‌سازی برانگیخته است. اما در روزهایی که «نتانیاهو» به خاطر ناکارآمدی در مدیریت کرونا و پرونده فساد و رشوه‌پسپل انتقادات و اعتراضات بود، با ثبت توافق با یک کشور عربی رزومه دیپلماتیکش را ارتقا بخشید و او به رده مقامات پیشین اسرائیل «بگین» و «رابین» در این حوزه رسید. این شرایط حتی این راه‌بحرین و عمان دو گزینه محتمل شأنس از دست رفته او برای انتخابات احتمالی اسرائیل را نیز بار دیگر بازگرداند.

«بدخواه دشمن من» دوست من است!

مارتین چولوف

خبرنگار اجتماعی و روزرشی

همزمان با تلاش‌های اخیر آمریکا برای احیای مذاکرات صلح اسرائیل با فلسطین، گفت‌وگوی دیگری در جریان بود که حاصل آن، معاهده عادی‌سازی روابط بین امارات و اسرائیل است. پیش از این بسیاری از طرح‌های آمریکا از جمله انتقال سفارتش از تل‌آویو به قدس و کم‌کردن کمک‌های نقدی آمریکا به فلسطینی‌های آواره، به دیوار بلند اختلاف برخی کشورهای عربی با اسرائیل برخورد کرده و بی‌اثر شده بود. در نهایت جارد کوشنر داماد ترامپ و مشاور او از «در» دیگری وارد شد و به دستاوردی فراتر از مذاکرات صلح بین شاسر عرفات و ابیهود باراک در سال ۲۰۰۰ چشم دوخت. اینک مفادی در روابط اسرائیل و امارات و در متن توافق آنها آمده است که به مقام ارشد و در نظام سیاسی آمریکا می‌تواند آن را یک برد برای کاخ سفید بنامد. مشروط بر اینکه اسرائیل با همراه ساختن امارات با خود بیش از حد از سایر کشورهای کلیدی عرب فاصله نگرفته باشد. اسرائیلی‌ها همیشه به معاهده کمپ دیوید به‌عنوان یک پیروزی بزرگ تگریسته‌اند و همین طور به پیمان آتش‌بس با اردن که ۱۷ سال بعد از آن تاریخ منعقد شد. امروز اسرائیل می‌کوشد با جلوه دادن امارات به‌عنوان نظامی که مخالف ایران و سوریه است پیمان صلح‌اش با حاکمان دویی را بر ذی از همان دست و یک دستاورد دیپلماتیک عالی توصیف کند و طبق آن ضرب‌المثل معروف بگوید که «بدخواه دشمن من» لایب دوست و موجودی خوب و یک شریک مناسب برای من است. اما واقعیت امر این است که نه سعودی‌ها جایگاه محکم سال‌های گذشته خود را دارند و نه تازه‌ای است که معادلات را به تنهایی تغییر بدهد.

منبع: Guardian

برقراری روابط اسرائیل و امارات

اگرچه برخی از رسانه‌های وابسته به ارتجاع منطقه می‌کوشند، تا این توافق را کمپ دیوید دوم لقب دهند، اما چنین توافقی هرگز نمی‌تواند اقدامی همسو با تلاش‌های گذشته برای حل و فصل مناقشات موسوم به اعراب و اسرائیل محسوب شود. زیرا مقامات مصری هنگام امضای پیمان کمپ دیوید، سابقه چندین جنگ مختلف با رژیم صهیونیستی را در کارنامه خود داشتند. این درحالی است که امارات نه تنها از ابتدای تأسیس خود تاکنون هیچ‌گاه در جناح مخالف رژیم صهیونیستی نبوده بلکه در خفا نیز روابط بسیار نزدیکی با این رژیم برقرار کرده و در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مواضع یکسانی با تل‌آویو داشته است. البته انتخاب امارات به عنوان کشوری که در این مقطع زمانی و به‌صورت شتابزده، توافق عادی‌سازی روابط با اسرائیل را امضا کند، کاملاً حساسگرانه بود. زیرا این کشور کوچک چندپاره با توجه به اداره قدرالی آن و فقدان هویت ملی، با خطر اعتراضات ملیونی و مخالفت‌های احتمالی که یک ملت می‌تواند به روابط خارجی کشور خود داشته باشد، مواجه نیست. و این درحالی است که می‌دانیم، مسأله فلسطین همواره مسأله مورد علاقه ملت‌های منطقه بوده است تا دولت‌ها؛ آنهم دولت‌هایی که به سبب انواع وابستگی‌ها به غرب، در اغلب صحنه‌ها در مواجهه با مسأله فلسطین، راه همایشات در پیش می‌گرفتند. به هر حال باید به خاطر داشت که امارات در طول چند دهه گذشته، هرگز کشوری که در مناقشات اعراب و اسرائیل نقش مؤثری داشته باشد، نبوده است. بنابراین حصول این توافق رویداد مهمی در مناقشات فلسطین نیز، تلقی نمی‌شود. نکته قابل تأمل و بسیار کلیدی در این توافق، نیاز مبرم اسرائیلی‌ها به آن بود. آنها از سال ۲۰۰۰ که ناگزیر شدند از جنوب لبنان خارج شوند و بعد از شکست سختی که در سال ۲۰۰۶ در خلال جنگ ۳۳ روزه متحمل شدند، همواره به دنبال کسب یک پیروزی برای توانمند نشان دادن خود در منطقه بودند. حال آنکه در هشت جنگ تمام‌عیاری که در دو دهه گذشته و با همین هدف علیه غزه کوچک و فلسطینی نشین راه انداختند نیز شکست‌های فضاحت‌باری را متحمل شدند و در همه این جنگ‌ها خود پیشگام آتش‌بس شدند.

به هر حال زمانی که دونالد ترامپ در انتخابات چهارسال پیش به پیروزی رسید، اسرائیلی‌ها تصور کردند با حمایت‌های او توانند معامله قرن را محقق کنند و با امضا گرفتن از سران همه کشورهای عربی به مسأله فلسطین پایان دهند. اما اقدامات دولت ترامپ در طول سه سال و هفت ماه گذشته نتوانست به نتیجه مطلوب اسرائیلی‌ها ختم شود. اکنون که در نشست رونمایی طرح معامله قرن دیدیم که سران کشورهای عربی از یک مخالفت ملت‌هایشان حضور پیدا نکردند و تنها سه سفیر امارات، کویت و بحرین شرکت داشتند. همین کافی بود تا اسرائیلی‌ها متوجه شوند از این مسیر نمی‌توانند به نتایج دلخواه خود دست یابند. بنابراین مسأله الحاق کرانه باختری و برخی دیگر از اراضی اشغالی او نتوانند کردند که این طرح نیز به دلیل مغایرت با قوانین بین‌المللی، با واکنش منفی جهانی مواجه شد. از همین‌رو این توافق جهت عادی‌سازی روابط با امارات، برای اسرائیل که در عرصه سیاسی و نظامی همواره محتمل باخت شده بود، نیازی مبرم به شمار می‌آمد. همان‌طور که دونالد ترامپ نیز در واپسین روزهای حضور در کاخ سفید برای دستیابی به آرای لابی صهیونیست‌ها در انتخابات نوامبر نیاز به این توافق دارد.

اما نکته جالب در این ماجرا آن است که امارات و حامیان آن بازنده بزرگ این توافق شتابزده هستند. امارات در حالی چهره شارسکارانه و روابط پنهانی خود با رژیم صهیونیستی را برملا کرد که به‌صورت پنهانی در حال پیاده کردن طرح‌ها و ایده‌های آمریکا و انگلیس در منطقه بود و پیشقراول حرکت‌های سیاسی و نظامی غرب در یمن، سودان و لیبی محسوب می‌شد. روشن است که افشای نزدیکی روابط امارات با اسرائیل سبب می‌شود؛ در سودان موقعیت کسانی که با پشتیبانی امارات بعد از سقوط عمر البشیر به قدرت دست یافتند، متزلزل شود، در لیبی موقعیت خلیفه خنتر که مدعی حمایت یک کشور عربی از خود بود، به‌خاطر آمدن نام اسرائیل به عنوان متحد امارات، تغییر کند و در یمن نیز نیروهای دست‌نشانده امارات در فرمانبرداری از کسانی که شراکت آشکار و نزدیکی با اسرائیل دارد، به تردید افتند.

«محمد»‌های امارات و عربستان، دوستان دیروز، رقبای امروز

تام مورگان

خبرنگار اجتماعی و روزرشی

محمدبن زاید و محمدبن سلمان سال‌ها رابطه‌ای دوستانه داشتند اما کج‌راه‌های سیاسی و لزوم سوءاستفاده از هر فرصتی برای پیش‌انداختن خود و کشورشان، از فوتبال گرفته تا سیاست؛ آنها را به رقبای بزرگ تبدیل کرده است. در عرصه فوتبال نظر مساعد سران و هواداران نیکولس به بازیگاه توسط سعودی می‌تواند نام بن‌سلمان و نظایر او را در جوامع غربی مطرح‌تر کند. همان طور که شیخ منصور، برادر کوچک‌تر محمدبن‌زاید، مالک اماراتی منچسترسیتی نام امارات را در فوتبال انگلیس مطرح کرده است. اما تحرکات سیاسی در خاورمیانه و سمت و سو دادن به آن دستاورد بس بزرگ‌تری است. قتل بی‌رحمانه جمال خاشقچی روزنامه‌نگار سعودی توسط آیدای محمدبن سلمان بسیاری از راه‌های سیاسی را به‌روی او بست اما وی کوشیده است با دادن آزادی‌های صوری به زنان، افکار عمومی را باخود همسو سازد. این در حالی است که مراحل و مراتب رعایت حقوق بشر در اردوگاه سعودی‌ها پایین‌تر از حد صفر است و خاشقچی فقط یکی از قربانیان این روند است. کارشناسان اروپایی محمد بن سلمان را به‌رغم تمامی خطاهای او و جنایات جاه‌طلبنه‌اش، مرد جوانی توصیف می‌کنند که برای ترسیم تصویری مدرن‌تر از دولت ریاض بشدت می‌کوشد اما راه‌های صحیح نیل به آن را نمی‌شناسد. امروز رقابت «من سیتی» با نیوکاسل در صحنه پاک‌تر فوتبال، کلید برانث هیچ‌یک از مقام‌های عربستان و امارات نیست و مشخص است که این دو کشور در یک صحنه بزرگ‌تر – سیاست – رقابت مهم‌تری دارند و ماجرای توافق اماراتی‌ها با اسرائیل بخشی از این معادلات و حساسگری‌های معمولی‌بی‌سرا انجام است.

منبع: Telegraph